

به پیکانه ناپدید گزشتی

تشکل‌های بخش خصوصی!

اشاره

"اولین نشست هم‌اندیشی با محوریت راهکارهای کاهش قیمت تمام شده با حضور مقامات ارشد وزارت صنعت، معدن و تجارت، فعالان اقتصادی و تشکل‌های غیردولتی در محل این‌وزارتخانه برگزار شد." خبر مذکور تا این بخش هیچ مشکلی نداشت و خبر از برگزاری جلسه‌ای می‌داد که قرار است نمایندگان تشکل‌های غیردولتی، پیشنهادات و موارد مصدافی خود را پیرامون کاهش قیمت تمام شده ارائه نمایند. نشست با حضور رسانه‌های نوشتاری و دیداری آغاز شد و ابتدا مطابق هر جلسه‌ای با طرح مسائل کلی از سوی برگزارکنندگان - بخوانید دولت - همراه بود و در ادامه به بیان دیدگاه‌های مدعوین که غالباً از دولت یا نهادهای شبه‌دولتی بودند، اختصاص یافت... زمان به سرعت سپری می‌شد بدون آن که مجالی به نمایندگان بخش خصوصی داده شود و در نهایت فرصت یک تا دو دقیقه‌ای، تنها فرصتی بود که در اختیار آنان قرار گرفت آن هم در شرایطی که بخش قابل توجهی از نمایندگان مطبوعات و رسانه‌ها جلسه را ترک کرده بودند. در این میان مهندس حائری به عنوان دبیر انجمن نساجی ایران به نمایندگی صنعت بزرگ و گسترده نساجی و پوشاک فرصتی برای ارائه پیشنهادات خود نیافت و به همین دلیل اواخر جلسه ترجیح داد این نشست را ترک نماید... برای آگاهی از دلایل این تصمیم و آگاهی از مطالبی که قرار بود در حضور دولتمردان و رسانه‌ها، بشنویم راهی انجمن صنایع نساجی ایران شدیم... راستی اگر قرار باشد در اولین نشست هم‌اندیشی تشکل‌ها و دولت، تنها سخنگوی جلسه، دولت و مسئولان دولتی باشند و فرصت بیان مشکلات، راهکارها و پیشنهادات تشکل‌ها به دو دقیقه خلاصه شود، در دومین و سومین و جلسه انتظار چه چیزی را باید داشته باشیم؟!!!

- ❖ در حال حاضر قیمت فروش تولیدات توسط بازار تعیین نمی‌شود و این امر برعهده سازمان‌های کنترلی و نظارتی است.
- ❖ در حال حاضر واحدهای صنعتی ماهیانه ۲۳ درصد از حقوق و دستمزد نیروی انسانی را تحت نام بیمه تأمین اجتماعی می‌پردازند.
- ❖ واحدهای تولیدی بر مبنای پروانه بهره‌برداری مورد بررسی قرار گیرند و دولت می‌تواند از مازاد نیاز واحدها، کارمزد دریافت نماید.

گفت و گو با مهندس علیرضا حائری دبیر انجمن صنایع نساجی ایران

و "کاهش قیمت تمام شده" ارائه داد. یکی از سخنرانان عنوان داشت در سال‌های دوره، تجار سود ثابتی را برای خود تعریف می‌کردند اما در صورت افزایش قیمت تمام شده، آن را به سود ثابت اضافه می‌کردند و به این ترتیب قیمت فروش محصولات را افزایش می‌دادند اما در بازار عرضه و تقاضا این گونه نیست زیرا قیمت فروش را بازار تعیین می‌کند. یکی از مواردی که تصمیم داشتیم در آن جلسه اشاره کنیم همین نکته بود که همچنان اصناف سود ثابت دارند و هر چه قیمت خرید محصولاتشان افزایش پیدا کند، قیمت فروش کالاها را بالا می‌برند در حالی که این اتفاق برای واحدهای تولیدی رخ نمی‌دهد! ایشان اعتقاد داشت که امروزه در بنگاه‌های تجاری این اتفاق نمی‌افتد زیرا قیمت فروش آنها را بازار تعیین می‌کند در حال حاضر قیمت فروش تولیدات توسط بازار تعیین نمی‌شود و این امر برعهده سازمان‌های کنترلی و نظارتی است. به عبارت بهتر بحث بازار عرضه و تقاضا در این میان مطرح نیست بلکه بحث در مورد تأسیس نهادهایی است که به شدت در مورد قیمت محصولات نظارت دارند و به هیچ‌عنوان اجازه نمی‌دهند که مکانیزم بازار آزاد عرضه و تقاضا جاری شود. این وضعیت نشان از غیرعادی بودن

نمود؟ متأسفانه اغلب بحث‌های عنوان شده مسئولان دولتی به ارائه مباحث آکادمیک و تئوریک اختصاص داشت و در این شرایط نامساعد اقتصادی، طرح آنها کاربرد چندانی نداشت. در مجموع فکر می‌کنم برای برگزارکنندگان آن جلسه، حضور یا عدم حضور تشکل‌های بخش خصوصی تفاوت چندانی نداشت و حضور افرادی که بیشترین زمان جلسه را به سخنان تئوریک اختصاص دادند؛ برایشان کفایت می‌کرد! پس بهتر بود که جلسه با حضور همان افراد تشکیل می‌شد و از تشکل‌ها دعوت به عمل نمی‌آمد. من به عنوان نماینده صنعت نساجی کشور وقت صحبت گرفته بودم اما زمانی که در انتهای جلسه متوجه شدم هر یک از تشکل‌ها دو دقیقه زمان دارند، به نشانه اعتراض نسبت به عدم هماهنگی در مدیریت جلسه، محل را ترک کردم.

مباحث تئوریک که اشاره دارد؛ در چه زمینه‌هایی عنوان شد؟

البته مسائل تئوریک و دانشگاهی در نوع خود بسیار مهم و مفید هستند اما در شرایط نامطلوب فعلی اقتصاد باید راهکارهای عملی جهت "خروج واحدهای تولیدی از بحران"

جلسه امروز را نیمه‌کاره رها کردید و به نظر می‌رسید سخنرانی‌های طولانی برخی مسئولان و ارائه مباحث تئوری محققین در این جلسه، صبر شمارا بریز نمود...!

تا ساعتی که در جلسه حضور داشتیم، فرصت بیان دیدگاه به هیچ‌یک از تشکل‌ها نرسید! این جلسه از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد و ۳۰ دقیقه نخست آن به ارائه مقدماتی توسط مسئولان موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی سپری شد، سپس نوبت به اظهار نظر میهمانان رسید. تقریباً از ساعت ۱۰/۴۵ تا ۱۲/۲۰ دقیقه حدود ۷ نفر از مسئولان دولتی و شبه‌دولتی سخنرانی کردند. در اواخر جلسه، دکتر موحدی اعلام نمود که هر یک از نمایندگان تشکل‌ها حدود یک تا دو دقیقه فرصت دارند تا مسائل خود را در زمینه کاهش قیمت تمام شده عنوان نمایند! چگونه امکان دارد دو نفر از یک ارگان در مجموع ۳۰ دقیقه صحبت می‌کنند اما سهم تشکل‌های بخش خصوصی، ۲ دقیقه می‌شود آن هم در شرایطی که اکثر مدعوین به خصوص خبرنگاران جلسه را ترک کرده‌اند! آیا در ۲ دقیقه می‌توان مبحث مهمی مانند کاهش قیمت تمام شده را مورد بررسی قرار داد و راهکاری برای آن ارائه



طبق تحقیقات انجام شده صرف نظر از هزینه‌های تهیه مواد اولیه، هزینه‌های تولید در کشور ما ۳۵ تا ۴۰ درصد بیشتر از هزینه‌های متوسط جهانی است. واقعیت این است که ۳۰ درصد از سال را تعطیل هستیم و (سالانه حدود یک صد روز در ایران تعطیل است!)

شرایط تولید و علت اصلی برگزاری جلسه‌ی تحت عنوان راهکارهای کاهش قیمت تمام شده دارد. طبقاً در چنین جلسه‌ی، بیان مباحث کلی و نمایش نمودارهای تئوریک به مدیران واحدهای تولیدی در زمینه یافتن راهی برای کاهش قیمت تمام شده چندان منطقی نبود!

و مباحثی که تصمیم داشتید در جلسه عنوان شود؟
قرار بود ۳ پیشنهاد مصداقی در این جلسه از سوی انجمن صنایع نساجی ایران ارائه شود. مبحث قیمت تمام شده را می‌توان به ۲ گروه کلی "مواد اولیه" و "سایر هزینه‌های تولید" تقسیم کرد.

۱- ۹ ماه تولید، ۳ ماه تعطیل

طبق تحقیقات انجام شده صرف نظر از هزینه‌های تهیه مواد اولیه، هزینه‌های تولید در کشور ما ۳۵ تا ۴۰ درصد بیشتر از هزینه‌های متوسط جهانی است. واقعیت این است که ۳۰ درصد از سال را تعطیل هستیم و (سالانه حدود یک صد روز در ایران تعطیل است!) تمام واحدهای تولیدی و صنعتی سالانه ۹ ماه فعال و ۳ ماه تعطیل هستند در حالی که برای سالانه ۹ ماه فعالیت، ۱۲ ماه بیمه تأمین اجتماعی، ۱۲ ماه بهره‌های بانکی، ۱۶ ماه حقوق و دستمزد نیروی انسانی، دیماند برق و گاز را می‌پردازند. به این ترتیب تمام هزینه‌های سربار یک بنگاه بر مبنای دوازده ماه در یک سال در جای خویش قرار دارد در شرایطی که فقط ۹ ماه تولید انجام می‌شود و ۳ ماه دیگر روزهای تعطیلی است. همان طور که مشاهده می‌کنید یک تولیدکننده، سرمایه گذاری انجام می‌دهد، ماشین‌آلات خریداری می‌کند، تأسیسات کارخانه احداث می‌شود فقط برای ۹ ماه تولیداً طبعاً باید برای این رفع مشکل راهکاری موثر اتخاذ کرد. انجمن صنایع نساجی ایران در سال ۱۳۸۹ که تحت عنوان "سال همت مضاعف و کار مضاعف" تعریف شده بود پیشنهادی ساده اما بسیار موثر ارائه داد مبنی بر این که ۲ ساعت به ساعات کاری افزوده شود یعنی ساعات کار از هفته‌ای ۴۴ ساعت به هفته‌ای ۴۶ ساعت افزایش یابد. انجام یک روز کار بیشتر در ماه مساوی است با ۱۲ روز فعالیت بیشتر در یک سال بدون ایجاد هزینه‌های سربار که این ۱۲ روز به طور متوسط ۳ درصد کاهش قیمت تمام شده را به دنبال دارد. که محاسبات آن موجود است

۲- بیمه تأمین اجتماعی

در حال حاضر واحدهای صنعتی ماهیانه ۲۳ درصد از حقوق و دستمزد نیروی انسانی را تحت نام بیمه تأمین اجتماعی می‌پردازند در حالی که اکثر کارفرمایان معتقدند سازمان تأمین اجتماعی کارایی لازم را ندارد به همین دلیل بخش قابل توجهی از واحدهای صنعتی به سمت استفاده از بیمه‌های تکمیلی (و البته تقبل هزینه‌های بیشتر) حرکت کرده‌اند. در کنار این مطلب، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های صنعت نساجی به عنوان "فعالیت‌های سخت و زبان‌آور" تعریف شده‌اند. این نوع فعالیت‌ها دارای ۲ ویژگی هستند: ۱- حق بیمه آن ۴ درصد بیشتر از سایر مشاغل است. ۲- ساعت کاری پرسنل مشمول فعالیت سخت و زبان‌آور روزانه ۶ ساعت است بنابراین در یک شیفت ۸ ساعته، ۲ ساعت به عنوان اضافه کار محسوب می‌شود که باید توسط کارفرما به پرسنل پرداخت گردد. پیشنهاد انجمن صنایع نساجی ضمن پذیرفتن مشاغل سخت و زبان‌آور و بازنگری شاغلین با ۲۰ سال سابقه، این است که منابع و هزینه‌هایی که در این زمینه باید به کارگر داده شود بر عهده کارفرما نباشد و از طریق دولت تأمین گردد. یکی از نظرات انجمن این است که دولت می‌تواند حدود ۱۶ درصد این مبلغ را از منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها (سهام صنعت) پوشش دهد. به عبارت بهتر مبلغی که قرار بود به صنعت اختصاص یابد به سهم کارفرما از بیمه تعلق بگیرد، سهم کارفرما از ۲۳ درصد به ۷ درصد کاهش پیدا کند و مابقی سهم کارفرما تا ۲۳ درصد از محل منابع هدفمندی یارانه‌ها تأمین شود. هزینه بیمه سهم کارفرما حدود ۳ درصد از قیمت تمام شده را شامل می‌گردد و لذا صورتی که دولت ۱۶ درصد مذکور را از منابع حاصل از هدفمندی یارانه که سهم صنعت میباید پرداخت نماید، نقش مهمی در کاهش قیمت تمام شده محصولات واحدهای تولیدی و صنعتی کشور ایفا خواهد کرد

۳- قانون ارتقای کیفی خودرو و سایر محصولات صنعتی

طبق این قانون، موسسه استاندارد موظف شده که تمام کالاهای وارداتی به کشور را با نمونه اولیه که ثبت سفارش شده تطبیق دهد، کیفیت آن را مورد تأیید قرار دهد و سپس کالا را ترخیص نماید. با این قانون مخالفتی نداریم اما فکر می‌کنیم این قانون باید مشمول کالاهایی شود که توسط تجار وارد کشور و مستقیماً به مصرف کننده عرضه می‌شوند؛ مانند یخچال، تلویزیون، فرش ماشینی، موکت پوشاک و تمام کالاهایی که به صورت آماده و بدون هیچ‌گونه فرایند تکمیلی توسط تجار و وارد کنندگان روانه بازار مصرف می‌گردد. اما کالاهایی که توسط یک بنگاه صنعتی به عنوان مواد اولیه، مواد واسطه‌ای یا لوازم یدکی وارد می‌شود و پس از انجام یکسری فرایندهای تولیدی به یک محصول دیگر تبدیل می‌شوند نباید مشمول این قانون قرار گیرند از سوی دیگر موسسه استاندارد اعلام کرده به دلیل ارائه این خدمات، هشت در هزار ارزش فوب آن کالا را به عنوان کارمزد از واردکننده دریافت خواهد کرد. انجمن صنایع نساجی معتقد است کالای نهایی و آماده که توسط تجار وارد کشور می‌شود

باید در راستای دفاع از حقوق مصرف کننده تحت نظارت و کنترل قرار گیرد نه مواد اولیه‌ای که توسط واحدهای تولیدی و صنعتی وارد کارخانه می‌شود زیرا با این اقدام یک درصد به قیمت تمام شده تولیدات داخلی افزوده می‌شود. البته ممکن است عنوان شود یک واحد صنعتی به سالانه ۲ هزار تن پنبه نیاز دارد اما اقدام به واردات ۵ هزار تن پنبه می‌نماید و پنبه مازاد را به فروش می‌رساند. معتقدیم که واحدهای تولیدی بر مبنای پروانه بهره برداری مورد بررسی قرار گیرند و دولت می‌تواند از مازاد نیاز واحدها، کارمزد دریافت نماید. این سه پیشنهاد و مورد مصداقی منجر به حدود ۶ درصد کاهش قیمت تمام شده می‌شود که رقم قابل توجهی است.

پیشنهاد دیگری که به سازمان حمایت از مصرف کننده ارائه دادیم و مورد قبول قرار نگرفت! این بود که ۳ گروه کالایی از شمول نظارت‌های قیمتی دولت خارج شوند. این ۳ گروه عبارتند از:

۱- کالاهایی که مازاد بر نیاز جامعه توسط واحدهای داخلی تولید می‌شوند و به همین دلیل کشور با کمبود این قبیل کالاها مواجه نیست پس لازم نیست مشمول نظارت‌های قیمتی شوند در این شرایط باید کالاهایی که میزان تقاضا آنها بیش از عرضه داخلی است، تحت نظارت قرار گیرند تا موجب گران فروشی نشود.

۲- کالاهایی که تحت عنوان "برند ملی" تعریف شده‌اند. منظور از برند ملی، تولید محصولات با کیفیت و ارائه خدمات پس از فروش به نحوی است که به تدریج نام این شرکت در میان سایر واحدهای تولیدی بدرخشد و تحت عنوان کالای معتبر فروخته شود. به همین دلیل نباید قیمت کالای تولیدکننده‌ای که هزینه‌های گزاف بابت دستیابی به عنوان برند ملی متقبل شده؛ با تولیدکننده گمنامی که تولیداتش در سطح پیاده‌رو به فروش می‌رود، یکسان باشد. اگر برندی به عنوان برند ملی مطرح شد باید این اجازه را داشته باشد که محصولاتش را با قیمت دیگری به بازار عرضه کند. همان اقدامی که در سایر کشورها انجام می‌شود و به این ترتیب از برندهای معتبر و بین‌المللی خود حمایت ویژه به عمل می‌آورد. عدم توجه به این امر یعنی یکسان دانستن یک شرکت معتبر، بزرگ و توانمند با یک واحد ناشناس و کوچک و در نهایت سرکوبی برند ملی...

۳- کالاهایی که مواد اولیه آنها از طریق ارز مرجع وارد نمی‌شود بلکه از طریق ارز حاصل از صادرات وارد می‌شود (ارز ۲ هزار تومانی). اجازه دهیم که این نوع کالاها بر مبنای قیمت تمام شده واقعی خود به فروش روند زیرا معیار ما دلار ۱۲۰۰ تومانی است و زمانی که واحد تولیدی ۲ هزار تومانی خریداری نموده، چگونه می‌تواند بر مبنای ارز دولتی ۱۲۰۰ تومانی کار کند؟

درخواست ما این بود ۳ گروه کالایی مذکور تا بهبود وضعیت اقتصادی و تولیدی، از شمول نظارت و کنترل سازمان‌های دولتی آزاد باشند که متأسفانه با جواب مثبتی مواجه نشدیم و البته دلیل قانع‌کننده‌ای در زمینه رد این درخواست توسط مسئولین امر عنوان نشد.